



بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان شکل‌های دانشجویی - 21 / اردیبهشت / 1400

دیدار رضانی دانشجویان ؛ در بیست و هشتمین روز از ماه مبارک رمضان (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوشوقتم و حقیقتاً خرسندم از اینکه بحمدالله امسال هم توفیق پیدا کردیم این جلسه را با دانشجویان عزیز داشته باشیم. اگر چه میل ما، آرزوی ما این بود که بتوانیم در یک جلسه‌ی رویاروی، شما را از نزدیک ببینیم و صحبت کنیم و بشنویم، ولی خب شرایط این جور اقتضا کرده، ما هم حرفی نداریم ؛ و این شرایط بلاشک یک روزی عوض خواهد شد. خداوند توفیق بدهد تا بتوانیم آنچه وظیفه‌مان است، در هر شرایطی انجام بدهیم.

پیشرفت سطح جلسه نسبت به سالهای قبل

جلسه‌ی امروز، جلسه‌ی بسیار خوبی بود. من البته در مقام قضاوت و نقد درباره‌ی مسائلی که گفته شد نیستیم ولیکن سطح این جلسه‌ی امروز ما از گذشته بالاتر بود ؛ مطالب خیلی خوبی بیان شد. و به نظر من نفس انتشار این نظرات دانشجویی و راه‌حلهایی که ارائه می‌دهید - که البته در این اظهارات امروز خیلی راه‌حل نبود لکن کلیاتی بود که بسیار مفید بود- و نقدی که نسبت به اوضاع در ذهن مجموعه‌ی دانشجویی هست، برای افکار عمومی بسیار مفید است و ذهنیت جامعه را پیش می‌برد و بالا می‌برد. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به شماها خیر بدهد، به این جلسه برکت بدهد و ما را در آنچه رضای او است موفق بدارد.

لزوم تأثیرگذاری سلوک رضانی بر رفتارهای اجتماعی و عمومی ما

خب به روزهای آخر ماه رمضان رسیده‌ایم ؛ من این را طلیعه‌ی عرایضم قرار میدهم که به شما عرض بکنم ماه رمضان، ماه ضیافت الهی است، ماه رحمت الهی است، ماه هدایت الهی است ؛ با اعمالی که در ماه رمضان انجام می‌دهید و انجام می‌دهیم، بایستی آثار این رحمت الهی را در خودمان حس کنیم و علاوه‌ی بر آن، این آثار را، این حالات را در بقیه‌ی ماه‌ها، در ادامه‌ی زندگی پُربرکتتان ان شاءالله نگه دارید و حفظ کنید. این سلوک رضانی و حال رقت و توجه و حضوری که در ماه رمضان به روزه‌گیر و میهمان خداوند دست می‌دهد، بایستی در رفتارهای شخصی ما اثر کند، تأثیر داشته باشد ؛ هم در رفتارهای عمومی و اجتماعی ما بایستی اثر بگذارد، هم در رفتار علمی ما، رفتار دانشگاهی ما، رفتار حکومتی ما، رفتار سیاسی ما بایستی تأثیر بگذارد، و تقوا و معنویت اثر خودش را در همه‌ی این عرصه‌های مهم نشان بدهد. و همان طور که عرض کردم، این حالت و این باب رحمت، گشوده بماند تا بعد از ماه رمضان.

در صحیفه‌ی سجّادیه دعائی [است] که امام سجّاد (علیه السلام) در روز اوّل ماه رمضان، در ورود ماه رمضان میخواندند - و توصیه میشود که آن دعا خوانده بشود- حضرت در آخر آن دعا میفرمایند: اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَ الْاَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا ؛ این دعای حضرت در اوّل ماه رمضان است ؛ یعنی در بقیه‌ی ماه‌ها هم همین حالت را، همین روحیه را برای ما نگه دار، وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. (۲)



تأثر عمیق نسبت به کشتار دانش‌آموزان در افغانستان و فلسطینیان در قدس من برای امروز یک بحثی را آماده کرده‌ام و البته سعی میکنم کوتاه بیان کنم که خوشبختانه موافق با همان چیزی است که در بعضی از بیانات دوستان تکرار شده بود؛ بحث درباره‌ی مسئله‌ی «تحوّل خواهی و تحوّل‌گرایی» است و یک نکاتی را در این زمینه عرض میکنم. لکن قبل از ورود در بحث، لازم میدانم که این دو حادثه‌ای خونین را که در دنیای اسلام در این چند روز اتفاق افتاد تذکر بدهم و تأثر خودم و احساس تأسف و ناراحتی خودم را از این دو حادثه بیان کنم. یکی حادثه‌ی تلخ و گریه‌آور افغانستان است و شهادت این نوگلان و غنچگان مظلوم که بدون هیچ گناهی مورد تهاجم قرار گرفتند و پریر شدند، و خانواده‌هایشان را داغدار کردند. لعنت خدا بر آن کسانی که جنایت را تا این حد گسترش میدهند و برای خودشان مباح میدانند که این تعداد بزرگ دختر نوجوان را بی‌گناه به خاک و خون بکشند! و همچنین حوادث مربوط به مسجدالاقصی و فلسطین و قدس شریف که خباث صهیونیست‌ها جلوی چشم مردم جهان است و واقعاً وظیفه‌ی همه است که موضع بگیرند و محکوم کنند حرکت خبیثانه و جنایت‌کارانه و وحشیانه و ظالمانه‌ی صهیونیست‌ها را در قضیه‌ی روزهای اخیر. البته خوشبختانه فلسطینی‌ها بیدارند و عازمند، باید هم دنبال بکنند. جز با زبان قدرت با این جنایت‌کارها نمیشود حرف زد؛ بایستی خودشان را قوی کنند و بایستند و مقابله کنند و طرف را مجبور کنند به اینکه از جنایت کوتاه بیاید و تسلیم حق و انصاف بشود.

عرض کردم یک مسئله، مسئله‌ای است که با عموم جوانان و دانشجویان مطرح میکنم - که عرض خواهم کرد- در چند جمله هم با تشکلهای دانشجویی چند تذکر را میخواهم مطرح کنم.

نیاز به تحوّل خواهی و تحوّل‌آفرینی و مسائل پیرامون آن آنچه با جوانها و بخصوص دانشجویها میخواهم مطرح کنم مسئله‌ی تحوّل خواهی و تحوّل‌آفرینی است؛ اولاً بگوییم مقصود ما از تحوّل خواهی چیست و تحوّل یعنی چه؛ ثانیاً تبیین کنیم که نیاز به تحوّل به چه دلیل است و چرا ما نیاز داریم به اینکه تحوّل به وجود بیاید؛ ثالثاً منطق این تحوّل را مشخص کنیم، گفتمان این تحوّل را مشخص کنیم که تحوّل با چه هدفی بایست انجام بگیرد و به چه سمتی باید ما را حرکت بدهد. چند نکته در این زمینه‌ها عرض میکنیم. خوشبختانه ذهن شماها آماده است و امروز من در بیانات شماها بسیاری از این نکاتی را که مورد نظر بود دیدم وجود دارد که مایه‌ی خشنودی و خوشحالی است.

تحوّل یعنی حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها اما مقصود ما از تحوّل، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخشهای اداری کشور و بخشهای حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی - که حالا بعد نمونه‌هایی را عرض خواهم کرد- و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها.

تحوّل در اصل انقلاب، معنای مورد نظر غرب‌گرایان از تحوّل البته تحوّل، یک عنوان عامی است؛ خیلی‌ها در دنیا هم وقتی راجع به ما صحبت میکنند، بحث تحوّل را مطرح میکنند؛ در داخل کشور هم بعضی‌ها که گرایشهای بیشتر غربی و میل به شیوه‌های غربی و مفاهیم غربی دارند، بحث از تحوّل میکنند، منتها آن تحوّل که مورد نظر آنها است، تحوّل در اصل انقلاب است؛ یعنی در واقع به یک معنا ارتجاع؛ یعنی تحوّل آنها به معنای ارتجاع است؛ برگشت به عقب. مفاهیم انقلابی را میخواهند نفی کنند. می‌بینیم در اظهاراتی که در باب تحوّل میکنند، راجع به عادی‌سازی، یعنی به هنجار جهانی نزدیک شدن کشور و انقلاب،



بیشتر تحریض (۳) میکنند و تحریص (۴) میکنند و این را در واقع خطّ نشان تحوّل به شمار می‌آورند. در واقع حرف ما، مراد ما از تحوّل، تحوّل برای تقویت انقلاب است؛ مراد آنها از تحوّل، تحوّل برای نفی انقلاب و نفی مبانی انقلاب است، مراد آنها نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه است. خب پس بنابراین آن کلمه‌ی تحوّل کافی نیست. مراد از تحوّل در بیان ما و در منطق ما عبارت است از اینکه ما به سمت تقویت مبانی انقلاب و اصول انقلاب و خطوط اصلی انقلاب حرکت کنیم، منتها با شیوه‌های نو و با نوآوری و ابتکار.

نیاز و ضرورت ایجاد تحوّل

در مورد این نیاز که «چرا باید تحوّل انجام بگیرد» - که واقعاً بایستی به این نیاز هم اعتقاد داشته باشیم - لذا لزوم این حرکت به [خاطر] این است که در کنار پیشرفتهای کشور و موفقیت‌های کشور که زیاد است - در بیان دوستان که اینجا صحبت کردید، بعضی از اظهارات بود که نشان‌دهنده‌ی وجود پیشرفتهای است، لکن آنچه در واقع در کشور از لحاظ پیشرفتهای گوناگون در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده خیلی وسیع‌تر و گسترده‌تر از این حرفها است - لکن در کنار این پیشرفتهای ما در جاهایی عقب‌ماندگی داریم و مشکلات مزمن شده داریم که این مشکلات بایستی حل بشود. در حوزه‌ی اقتصاد، در حوزه‌ی عدالت، به طور جدّی مشکل داریم؛ در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی مشکلات اساسی داریم که بعضی از اینها حقیقتاً به صورت بیماری مزمن هم درآمده و نیاز به راه‌حل‌های جدّی دارد؛ علاوه‌ی بر اینکه این عقب‌ماندگی‌ها وجود دارد و ناشی از غفلت‌های ما است - یعنی در طول زمان، در طول این ده‌ها سال، در مواردی غفلتهایی انجام گرفته - بعضی از غرض‌ورزی‌ها هم موجب زاویه‌دار شدن با خطّ انقلاب و تدریجاً پشت کردن به انقلاب شده و بنابراین این وضعیّت ایجاب میکند که ما به فکر یک حرکت تحوّل‌ی باشیم.

علاوه‌ی بر اینها بر اثر همین غفلت‌های ما، بسیاری از ظرفیتهای معطل مانده. ظرفیتهای بسیاری در کشور وجود دارد، فرصتهای به معنای حقیقی کلمه فراوان بلکه بی‌شمار در کشور هست که اینها بدون استفاده مانده و این مایه‌ی خسارت برای منافع ملی است. خب این مشکلات را با یک حرکت عادی نمیشود برطرف کرد، با این حرکت معمولی عادی که در کار اداری حکمرانی کشور هست نمیشود، یک حرکت فوق‌العاده لازم است، یک حرکت جهشی لازم است، یک حرکت ابتکاری لازم است. باید نوآوری وجود داشته باشد و این کار باید انجام بگیرد. این جزو مسلمات این دوره‌ی از انقلاب است برای گام دوّم. البته در گذشته و در طول زمان در زمینه‌های تحوّل‌ی در بخشی از جاها یک کارهایی انجام گرفته لکن یک حرکت کلی‌تر و عمومی‌تر و جامع‌تری در این زمینه باید انجام بگیرد.

لزوم ایجاد تحوّل در حوزه‌های حکمرانی، مدیریت کشور، سبک زندگی مردم

[در مورد] حوزه‌ی تحوّل هم که این تحوّل در کجاها باید انجام بگیرد، همان طور که قبلاً اشاره کردم، هم در بخشهای گوناگون حکمرانی و بخشهای مدیریتی کشور است که خب در زمینه‌های اقتصاد، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، در زمینه‌های مسائل فکری، مشخص است کم‌کاری‌هایی وجود دارد و رفت و برگشت‌های اداری، کاغذبازی‌ها و دیوان‌سالاری‌های زائد و مقرّرات غیر مفید و گاهی مضر، مانع از تلاش است - هم در زمینه‌ی اقتصاد که خیلی واضح است و هم در زمینه‌های دیگر - بنابراین یک حوزه‌ی مهم برای تحوّل، همین بخشهای مدیریتی کشور است؛ یک بخش هم در مورد زندگی عمومی مردم است که در این زمینه‌ها هم به معنای واقعی کلمه در بعضی از بخشها بایستی تحوّل حرکت کرد. عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با اینها بایستی برخورد کرد. با نصیحت و توصیه و راه‌حل‌های جزئی نمیشود کار کرد، یک کار تحوّل‌ی لازم است؛ مثلاً فرض کنید قضیّه‌ی اسراف. در کشور ما اسراف وجود دارد؛ اسراف آب، اسراف موادّ غذایی، اسراف برق. مسابقه‌ی تجمّل؛ که حالا ما اشرافیگری را نفی کردیم و



زشت شمردیم که به جای خود مطلب کاملاً درستی است لکن مشکل اینجا است که ریخت و پاش‌های اشرافی‌گرانه به طبقات غیراشرافی هم در واقع سرایت کرده و متأسفانه مسابقه‌ی تجمل در ازدواجها، در خانواده‌ها و کارهای گوناگون وجود دارد و باید با آن مبارزه کرد. یا بالا رفتن سن ازدواج، یا پیروی جمعیت کشور و همین مسائلی که در بیانات بعضی از دوستان هم بود. خب پس همه‌ی اینها حوزه‌های لزوم تحوّل است، در همه‌ی اینها بایستی تحوّل به وجود بیاید.

منطق ایجاد تحوّل: تقویت خطوط اصلی انقلاب و حرکت به سمت آرمانها
منطق تحوّل چیست؟ یعنی ما می‌خواهیم تحوّل ایجاد بشود تا بعد به چه وضعیتی برسیم؟ اگر چنانچه این منطق مشخّص و روشن و محاسبه‌شده نباشد، کار به بلبشو و هرج و مرج کشیده خواهد شد؛ لذا در اوّل سال شما می‌گویید: حوّل حالتنا إلى احسن الحال؛ تحوّل بایستی ما را به وضع احسن برساند، به وضع بهتر برساند. بعضی در زمینه‌ی مسائل تحوّل می‌گویند «تغییر» اما تغییر به کجا مشخّص نیست. صرف تغییر یک ارزش محسوب نمی‌شود؛ تغییر به سمت بهتر شدن ارزش است، تحوّل به سمت بالا رفتن ارزش است و الا مطلق تحوّل نه. پس بنابراین بایستی احسن‌الحال را پیدا کرد. احسن‌الحال به نظر ما همان تقویت خطوط اصلی انقلاب و روان شدن حرکت به سمت آرمانها است؛ یعنی آرمانهای انقلاب مثل عدالت، مثل استقلال، مثل اسلامی شدن جامعه، اینها آرمانهای بزرگ و اساسی است؛ باید حرکت به سمت این آرمانها آسان بشود و روان بشود. الان ما دشواری‌های زیادی در این زمینه داریم، احتیاج به یک حرکت تحوّل وجود دارد. حالا این آرمانها که البته باید متوجّه به این آرمانها باشیم و حرکت به سمت اینها بکنیم، سطوح مختلفی دارند و ان شاءالله شماها بایستی در جلسات دانشجویی، در جلسات بحث و بررسی دانشجویی روی اینها کار کنید و به جزئیات آنها برسید و این را برای مردم تبیین کنید.

لزوم حفظ آرمانهای کلان نظام و روان‌سازی حرکت به سمت آنها
حالا من به طور کلی عرض می‌کنم: بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی‌اند، آرمانهای بلندمدت و میان‌مدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد؛ مثل تشکیل جامعه‌ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی آزادی و مانند اینها؛ اینها آن آرمانهای اساسی است. بعضی از این آرمانها در سطوح خردتری هستند و در واقع اجزای تشکیل آن آرمانهای سطح بالا محسوب میشوند؛ مثل مثلاً فرض کنید پیشرفت علمی؛ یک آرمان است - یکی از آرمانهای ما قطعاً پیشرفت علمی است - منتها جزئی از مجموعه‌ای است که جامعه‌ی اسلامی را تشکیل خواهد داد یا استقلال ما را مثلاً تشکیل خواهد داد. یا فرض کنید که اقتدار در سیاست خارجی که به معنای بیرون نگه داشتن کشور و نظام سیاسی از شبکه‌ی اقماری قدرتهای مستکبر و نظام سلطه است - اقتدار در سیاست خارجی به این معنا است که در اوّل انقلاب در شعار «نه شرقی، نه غربی» متبلور بود که آن روز یک ابرقدرت شرقی داشتیم که نظام کمونیست و جامعه‌ی کمونیستی دنیا بود، و یک نظام سرمایه‌داری؛ شعار این بود که جمهوری اسلامی بایستی خودش را از ورود در شبکه‌ی اقماری این قدرتهای بزرگ حفظ کند و حفظ هم کرد بحمدالله - خب این هم یک آرمانی است؛ بایستی این آرمان حفظ بشود و دنبال بشود و تعقیب بشود و روزه‌روز برتر بشود. یا خودکفائی اقتصادی که در واقع یکی از آرمانهای خرد نسبت به آن آرمانهای عمده است.

بعضی دیگر از این آرمانهایی که دنبالش هستیم و باید دنبالش باشیم و در این تحوّل به آنها توجه بکنیم، در واقع سیاستهایی هستند در جهت اداره‌ی کشور و امنیت بخشیدن به انقلاب، و انقلاب را حفظ کردن؛ مثل نهادسازی‌هایی



که شد: تشکیل سپاه، تشکیل جهاد سازندگی، تشکیل بسیج که اینها هم جزو سیاستهایی است که در بدنه‌ی آن آرمانهای اساسی قرار دارند؛ یا اسلامی شدن دانشگاهها مثلاً فرض کنید؛ یا تبدیل صدا و سیما به یک دانشگاه عمومی آن روز چهل میلیونی، و امروز هشتاد میلیونی؛ این جزو آرمانها بوده، جزو مسائلی است که در پی آن بوده‌ایم و باید باشیم و بایستی این آرمان را دنبال بکنیم و امثال اینها. بنابراین همین طور که ملاحظه میکنید، خطوط اصلی نظام جمهوری اسلامی که باید حفظ بشود و حرکت به سمت آنها آسان‌سازی و روان‌سازی بشود، در سطوح مختلفی قرار دارند: از تشکیل جامعه‌ی اسلامی و آن آرمانهای برتر بگیریید تا آرمانهای میانی مثل پیشرفت علمی و امثال اینها، تا این حرکتها و سیاستهای اجرائی از این قبیل که گفته شد.

عدم توجه به پیچیدگی‌های مسائل در سالهای آغازین انقلاب

خب، نسل اول انقلاب که عمدتاً فعالان دهه‌ی ۶۰ و یکی دو سال از دهه‌ی ۵۰ هستند، در همه‌ی این بخشها - چه بخشهای بالادستی، چه بخشهای خرد و پایین‌دستی - کارهایی را انجام دادند؛ کارهای خوبی با هدایت امام بزرگوار انجام گرفت. حادثه‌ی دشوار جنگ تحمیلی به این تجربه‌آموزی کمک کرد، و کمک کرد تا بتوانند در این زمینه‌ها تجربه‌هایی به دست بیاورند؛ یا تحریمهایی که از همان روز اول گذاشته شد، یا حوادث خونینی که در اوایل انقلاب پیش آمد، اینها همه مجموعه‌ی نسل اول انقلاب را آماده میکرد و هدایت به سمت محقق کردن این مقاصد اصلی انقلاب و مقاصد اصلی جمهوری اسلامی؛ ولیکن یک حقیقتی وجود دارد که آن را نبایستی نادیده گرفت و آن، این است که رسیدن به این آرمانها با این عظمتی که این آرمانها دارد، پیچیدگی‌های زیادی دارد؛ آن روز ما به این پیچیدگی‌ها توجه نداشتیم؛ آن روز ما مسائل را خیلی با نگاه اولی نگاه میکردیم؛ در واقع بسیاری از مسائل آسان‌گیری میشد. شور انقلابی موجب بود که کار انجام بگیرد منتها با یک نگاه ابتدائی، با یک نگاه ساده و بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌ها و دشواری‌ها و گردنه‌های سر راه.

اسلامی کردن دانشگاه؛ نمونه‌ای از پیچیدگی‌های مسائل نظام

حالا مثلاً من به عنوان مثال یک مورد را مثال میزنم؛ مسئله‌ی اسلامی شدن دانشگاهها. خب امام (رضوان الله علیه) روی مسئله‌ی اسلامی شدن دانشگاهها اصرار داشتند. ایشان برای دانشگاه خیلی اهمیّت قائل بودند و معتقد بودند بایستی دانشگاهها را اسلامی کرد و حرکتهایی هم انجام گرفت، کارهای زیادی انجام گرفت؛ خود من هشت سال در دوره‌ی ریاست جمهوری، رئیس شورای انقلاب فرهنگی بودم که مخصوص کارهای دانشگاهی بود که کارهای فراوانی انجام گرفت، لکن در همه‌ی این دوره‌هایی که ما کار میکردیم و خود من جزو فعالان این مجموعه بودم، آن ظرافتهای لازم، آن دشواری‌های موجود، آن پیچیدگی‌هایی که این کار دارد مورد توجه ماها نبود و کار را با نگاه ساده نگاه میکردیم.

تربیت نخبه‌ی مطیع و مصرف‌کننده، هدف تأسیس دانشگاه در دوران سیاستهای استعمار

خب دانشگاه در کشور ما، در واقع در دوران تسلط سیاستهای غربی به وجود آمد؛ یعنی برای اینکه دشواری‌های کار معلوم بشود و روشن بشود، من این را عرض میکنم. دانشگاه در دوران حاکمیّت برگزیدگان و در واقع دست‌نشانندگان غربی‌ها اتفاق افتاد. دانشگاه در زمان رضاشاه که به وسیله‌ی انگلیس‌ها سر کار آمده بود، پایه‌گذاری شد؛ به دست عوامل غربی‌ها هم پایه‌گذاری شد، یعنی آن کسانی که اول بار دانشگاه کشور را ایجاد کردند، کسانی بودند که دلباخته‌ی غرب بودند. من نمیگویم عامل نفوذی غرب بودند، یعنی این را آدم نمیتواند قاطعاً ادعا کند اما بلاشک دلباخته و فریفته‌ی فرهنگ غربی بودند و مطیع غرب بودند و در واقع هیچ رأیی در مقابل آراء غربی‌ها نداشتند و



ارائه نمی‌کردند. بنابراین دانشگاه را برابر برنامه‌های غرب استعمارگر به وجود آوردند؛ اصلاً برنامه‌ی دانشگاه در کشور ما، برنامه‌های [آن] غربی بود که آن روز در اوج استعمارگری بود -بعدها خب کشورهای استعماری یکی‌یکی خارج شدند اما آن روز اوج استعمارگری غربی‌ها بود- اینها در مورد تشکیل دانشگاه در کشورهای اقماری خودشان یک برنامه‌ی مشخصی داشتند.

برنامه‌ی آنها این بود که در این کشورها نخبه‌هایی تربیت کنند که این نخبه‌ها مطیع غرب باشند و مصرف‌کننده‌ی غرب باشند؛ نخبه‌ی مطیع و مصرف‌کننده. هدف دانشگاه‌ها این بود که نخبه‌ی مطیع و مصرف‌کننده تربیت کنند. مصرف‌کننده یعنی چه؟ یعنی سرریز دانش تولیدشده و البته کهنه‌شده‌ی در غرب را فرا بگیرد و بتواند جامعه‌ی خودش را به بازار مصرف محصولات غربی تشویق کند و جامعه را تبدیل کند به بازار مصرف محصولات غربی؛ یعنی یک نخبه‌ی مصرف‌کننده‌ای را تولید می‌کردند که آن نخبه‌ی مصرف‌کننده، یک جامعه‌ی مصرف‌کننده را به وجود بیاورد؛ اصلاً هدف این بود؛ که حالا این برنامه -برنامه‌ی ایجاد دانشگاه- هم در کشورهای استعماری‌ای که آن روز رسماً در استعمار انگلیس -عمدتاً- و بعضی کشورهای دیگر غربی بودند اجرا میشد و هم در کشورهایی که رسماً مستعمره نبودند؛ مثل کشور خود ما که مستعمره‌ی رسمی نبود اما کاملاً تحت نفوذ و تحت سلطه‌ی سیاسی غرب قرار داشت؛ دانشگاه این جوری به وجود آمد. البته تفکر اسلامی در همین دانشگاه هم توانست نفوذ کند، که این به خاطر قدرت نفوذ تفکر اسلامی بود لکن شیب عمده‌ی این دانشگاه به سمت همان تفکر غربی و غربی‌سازی فکر و عمل نخبگان کشور بود؛ که نخبه‌ای تربیت کنند که غربی فکر کند، غربی عمل بکند، برای غربی‌ها کار بکند و جامعه‌ی مصرف‌کننده بسازد؛ که همان نخبه‌ها طبعاً به مقامات حکومتی هم میرسیدند.

خب این دانشگاه را نظام اسلامی بخواهد تبدیل کند به دانشگاه اسلامی، کار ساده‌ای است؟ کار آسانی است؟ دانشگاهی که مثلاً پنجاه سال با آن شکل حرکت کرده و با آن ترکیب و برنامه‌ریزی اداره شده، تبدیل آن به یک دانشگاه اسلامی کار ساده‌ای نیست. آن روز ما به پیچیدگی این کار بدرستی توجه نمی‌کردیم؛ [لکن] خب بعدها بتدریج خود عناصر دانشگاهی به نکات مهمی در این زمینه برخورد کردند، تذکر دادند، عمل کردند، یک مقداری بهتر شد، اما همچنان این قضیه، یک قضیه‌ی مهم روی دست نظام اسلامی است و بایستی تحقق پیدا کند و جز با یک تحول امکان‌پذیر نیست. حالا این یک مثال بود که من زدم و خب در بقیه‌ی بخشها هم همین جور است؛ در بخش مسائل اقتصادی و جریان اقتصادی کشور، جریان علمی کشور و امثال اینها همین وجود دارد. لذا شما می‌بینید که ما در خلال این سالها گاهی کارهای خوبی را شروع کرده‌ایم که نیمه‌کاره مانده و به نتیجه نرسیده؛ این به خاطر همین است که یک ساده‌نگری‌هایی در مشاهده‌ی مسائل وجود دارد که بایستی اینها را با نگاه دقیق تصحیح کرد و به جهت درست رساند.

تولید دانش حرکت در مسیر آرمانها توسط نخبگان انقلابی با پشتوانه‌ی تجربیات گذشته البته امروز جامعه‌ی نخبگانی کشور، تجربه‌های زیادی دارد. من به طور قاطع عرض می‌کنم که امروز جامعه‌ی نخبه‌ی متدین و معتقد به دین و انقلاب، فهمشان، درکشان از مسائل بمراتب از نخبگان صدر انقلاب -و حالا به طریق اولی قبل از انقلاب- بالاتر است. یعنی همین مطالبی که شما دانشجویان امروز بیان کردید، که در ذهن شماها هست و در محافل شماها مطرح میشود، آن روز در سطوح بالای دانشگاهی هم مورد توجه نبود و به آنها پرداخته نمیشد، و به آنها دسترسی پیدا نمیشد؛ یعنی ذهنها جور دیگری بود. پس امروز جامعه‌ی نخبگانی و انقلابی کشور، هم تجربه‌ی زیادی دارد، هم ناکامی‌ها را دیده، تلخی‌ها را دیده، دشواری‌ها را دیده، مانع‌تراشی‌ها را دیده، معارضه‌ها را دیده



-یعنی اینها را در طول زمان، این جامعه‌ی نخبگانی ما مشاهده کرده‌اند- و نگاهش به مسائل اساسی کشور نگاهی است همراه با توجه به این مشکلات. پس بنابراین، برنامه‌ریزی هم میتواند برنامه‌ریزی پیچیده‌تر و قوی‌تری باشد از آنچه در گذشته انجام میگرفته، و باید همین جور باشد؛ یعنی واقعاً راهبردی‌های عملیاتی بایستی با در نظر گرفتن این مشکلات و موانع انجام بگیرد. علاوه بر این، مسائل جدیدی هم هست که در گذشته نبود؛ حالا از جمله مثلاً فرض کنید فضای مجازی، که یک مسئله‌ی جدیدی است، پدیده‌ی تازه‌ای است و قبلاً این [پدیده] وجود نداشته. بنابراین، برای پیشگیری از مشکلات ناشی از این پدیده -بالاخره هر پدیده‌ای یک مشکلاتی دارد، یک منافی دارد- و برای اینکه کشور و جامعه از مشکلاتش و ضررهایش و آسیب‌هایش مصون بماند، امروز به فکرهای جدید و راه‌های ابتکاری و در واقع دانش و فکر نو نیاز هست. یا مثلاً در بالا رفتن سن ازدواج و امثال اینها، احتیاج داریم به روشهای نو، روشهای بدیع و روشهای تازه. و به نظر من کشور میتواند در این زمینه‌ها حرکت کند و این نخبگان انقلابی و مؤمن هستند که بایستی دست کشور را پُر کنند و فکر تولید کنند و دانش حرکت در این راه را بایستی تولید کنند. این تحوّل است که باید اتفاق بیفتد. این تحوّل که میگوییم، باید ما را به این سمت حرکت بدهد و پیش ببرد.

جوانها، راه منحصر به فرد ایجاد تحوّل

خب حالا چه جوری این تحوّل انجام بگیرد؟ به نظر من راه منحصر به فرد آن جوانهاست. جوانهای زبده و خوبی داریم؛ چون در جوان، هم فکر نو هست، هم [توانایی] یافتن شیوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ اینها همه در جوانها جمع است و خیلی مغتنم است؛ یعنی ابزار لازم برای یک حرکت تحوّل همینه‌ها است: فکر نو، ابتکار، جرئت حرکت، میل کامل به این حرکت. اینها از لوازم حتمی یک حرکت تحوّل است و این هم در جوانها وجود دارد، [لذا] بایستی برای یک چنین کاری دنبال جوانهای نخبه رفت.

لزوم وجود افراد کارآزموده و مجرب در کنار جوانها

البته من این را هم به شما بگویم: خود شما جوانهای عزیزی هستید که من به شماها خیلی هم علاقه دارم -یعنی بنده عمر طولانی‌ای را در کنار جوانها و با جوانها گذرانده‌ام و کاملاً می‌شناسم جوانها را و دوست میدارم جوانها را- [اما] در کنار این تمجید و تعریفی که من از جوانها میکنم کار جوانها نواقصی هم دارد، کمبودهایی هم در کار جوانها هست که ما مشاهده میکنیم این کمبودها را، در طول زمان هم دیده‌ایم، الان هم می‌بینیم. حتی همین اظهارنظرهایی که آقایان میکنند که خیلی هم مغتنم و برای بنده شیرین است اما خوب در کنار آن شیرینی ضعفهایی در همین اظهارنظرها و همین ارائه‌ی فکرها وجود دارد. پس بنابراین، بایستی کارآزمودگان و دنیادیدگان و مجربین هم در کنار جوانها قرار داشته باشند. این، آن حرفی است که من بارها گفته‌ام. ما که گفتیم «دولت جوان انقلابی»، (۵) بعضی تصوّر کردند یک دولتی که مثلاً فرض کنید عمرشان یکدست باید بین ۳۰ و ۳۵ و مانند اینها باشد! قضیه این نیست؛ حضور جوانها چیز لازمی است و حتماً بدون حضور جوانها کاری صورت نمیگیرد اما معنایش این نیست که مجربین و کارآزمودگان و دنیادیدگان در کنار جوانها نباشند.

شرط اساسی و اصلی در همه‌ی اینها -چه آن جوان، چه آن که از جوانی عبور کرده و به میانسالی یا کهنسالی رسیده- این است که ایمان و انگیزه‌ی صادقانه و انقلابی در آنها وجود داشته باشد که به نظر من یک دولت جوان انقلابی -همان طور که گفتیم- میتواند جامع همه‌ی اینها باشد.

امکان حل مشکلات کشور با دولتی معتقد به جوانها و حضور در جوانها در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و اجرا



البته دولت فقط مثلاً بیست وزارتخانه و بیست وزیر نیست - [البته] مجموعه‌ی هیئت دولت حدود بیست و چند نفرند - دولت فقط اینها نیست؛ دولت یک مجموعه‌ی وسیعی است که صدها مدیریّت مؤثر و تعیین‌کننده در آن وجود دارد و همه‌ی اینها میتواند به اصطلاح میزبان جوانهای مؤمن و نخبه و انقلابی ما باشد که باید بتوانند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا حضور داشته باشند؛ یعنی بایستی بعضی جوانها در بخشهای تصمیم‌گیری، بعضی در بخشهای تصمیم‌سازی، بعضی هم در بخش اجرا حضور داشته باشند و بتوانند عمل بکنند و به نظر من این کاری است کاملاً شدنی؛ یعنی اگر واقعاً یک دولتی سر کار بیاید که مسئولین بالای دولت اعتقاد به جوانها داشته باشند، اطمینان به جوانها داشته باشند، همچنان که امام بزرگوار داشت و کار را با جوانها پیش برد، اگر یک چنین دولتی سر کار بیاید، به نظر من مشکلات خیلی زود حل خواهد شد؛ همه‌ی این مشکلاتی که امروز جلوی چشم ما است و با همه‌ی دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها و مانعها و مانع‌تراشی‌ها و دشمنی‌هایی که از خارج و بعضاً از داخل صورت می‌گیرد، به نظر من همه‌ی این کارها، همه‌ی این آرمانها و خواسته‌ها و مطالبی، (۶) قابل تحقق است. در گذشته هم جوانها کارهای کارستان کردند؛ هم در انقلاب، هم در دفاع مقدّس و در جهاد سازندگی مثلاً جوانها بودند دیگر؛ آنها هم جوانهای دانشجو بودند که بعضی رفتند در سپاه، بعضی در جهاد، بعضی در کمیته‌های انقلاب، و مشغول کار شدند و کارهای بزرگی را انجام دادند.

امروز خوشبختانه کشور از لحاظ پرورش نیروی انسانی مؤمن و انقلابی و دارای اعتماد به نفس و متخصص بحمدالله وضع خوبی دارد؛ یعنی ما از لحاظ نیرو کمبود نداریم؛ نیروهایی هستند که باید شناسایی بشوند. اگر میل به حضور جوانها نبود، شناسایی جوانها هم انجام نمی‌گیرد و دولت و مجموعه‌ی نظام، مجموعه‌ی حکمرانی کشور هم از منافع وجود آنها محروم می‌ماند.

از من سؤال شد که آیا در این شوراها - شوراهایی که مربوط به رهبری است، مثل شورای انقلاب فرهنگی - نمیخواهید جوانها را بگذارید. چرا، از مدتی پیش من این معنا به ذهنم رسیده بود؛ موانعی در کار بود و ان شاءالله انجام خواهد گرفت و عده‌ای جوان را ما ان شاءالله در این شوراها منصوب خواهیم کرد که باشند و تصمیم‌گیری کنند و حرکت کنند و ان شاءالله عمل بکنند.

جمع‌بندی بحث تحوّل

خب، پس بنابراین خلاصه‌ی بحث ما در باب تحوّل این شد: اولاً تحوّل لازم است و نیاز امروز ما است؛ ثانیاً تحوّل ممکن است؛ ثالثاً راه ایجاد تحوّل عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحوّل و معتقد به عنصر تحوّل‌آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه‌ی مؤمن انقلابی؛ یعنی شرطش این است که مؤمن باشد و انقلابی باشد؛ و الا اگر جوان بود با همان خصوصیات جرئت و توانایی و ابتکار، لکن ایمان در او وجود نداشت، خب فایده‌ای ندارد؛ آن جوان با همان نیرو، راه غلط را خیلی سریع‌تر و تندتر از پیرها و سالخورده‌ها خواهد رفت؛ اگر با ایمان نباشد فایده‌ای ندارد؛ اگر انقلابی نباشد، کشور را به سمت یک حرکت تحوّل‌ی درست هدایت نخواهد کرد؛ پس بایستی، هم جوان باشد، هم مؤمن باشد، هم انقلابی باشد؛ یعنی این عناصر بایستی در مجموعه‌ی دولت جمع باشد. پس بنابراین، هم تحوّل لازم است، هم تحوّل ممکن است، هم شرطش حضور یک دولتی است که معتقد به جوانها باشد و جوانها را به کار بگیرد و این کار انجام خواهد گرفت. این عرض ما در مورد مسئله‌ی تحوّل خواهی.

لزوم توجه مسئولین به موضوع اُفت یادگیری دانشجویان با توجه به شرایط کرونا



چند تذکر در مورد دانشگاه‌ها بدهم که این تذکرات، تذکرات جزئی است لکن مهم است در مورد وضع کنونی دانشگاه‌ها، و بعد آن وقت چند کلمه با تشکلهای عرض دارم.

یک تذکر در مورد یادگیری‌ها در دوران کرونایی است. من نگرانم، وضعی که از دانشگاه‌ها نقل میشود برای ما از استاد و دانشجو، موجب نگرانی است. این وضعی که وجود دارد، ممکن است واقعاً یادگیری‌ها را ناقص و معطل بکند. خواهش من این است که مسئولان آموزش عالی در بخشهای مختلف -چه آن وزارت، چه وزارت بهداشت، چه دانشگاه آزاد- به این مسئله توجه کنند. خب حالا یک سال و چند ماه از شروع کرونا گذشته، نمیدانیم هم کی تمام خواهد شد. ان شاءالله امیدواریم خیلی طول نکشد اما بالاخره نمیدانیم کی تمام خواهد شد؛ مسئله‌ی یادگیری‌ها خیلی مهم است، من نگرانم، نگذارید یادگیری‌ها اُفت پیدا کند.

لزوم رفع نواقص دستگاه‌های آموزش مجازی و برخورد با کانال‌های متقلب از سوی مسئولان یک مسئله، مسئله‌ی این دستگاه‌های یادگیری مجازی است که هم در آموزش و پرورش، هم در دانشگاه‌ها رایج شده و شنیدم عیوب و نواقصی دارد که کار را مشکل میکند. این عیوب را حتماً بایستی برطرف کنند که مخاطب این هم مسئولین دولتی هستند.

شنیدم سوءاستفاده‌کننده‌هایی هستند که کانال‌های تقلب درست میکنند و گروه‌های متقلب راه انداخته‌اند. این امتحانات را بی‌اعتبار میکنند، حتماً با این پدیده‌ی زشت برخورد بشود. اگر واقعیت دارد و چنین چیزی وجود دارد، حتماً با آن برخورد بشود. به من گزارش شده که چنین چیزی هست.

توجه ویژه به امیدآفرینی در میان دانشجویان از سوی مسئولان و خود دانشجویان یک نکته‌ی مهم در باب دانشجویها [این است که] تبلیغات انبوه و حساب‌شده‌ای میشود برای اینکه دانشجویان ما را ناامید کنند؛ یا به طور کلی ناامید کنند از آینده که به افسردگی و سرنوشت‌های بدتر از افسردگی منتهی میشود، یا ناامید کنند از ادامه‌ی کارشان در کشور که به پشت کردن به کشور و رفتن از کشور و مانند اینها می‌انجامد. این خیلی چیز بدی است. البته همیشه بوده، امروز هم این حرکت را تند کرده‌اند؛ و من حالا از شما دوستان عزیز خواهش میکنم که به مسئله‌ی امیدآفرینی توجه بکنید. [از سوی] خود دانشجویهای مؤمن و فعال در همین اظهاراتی که انجام گرفت و گفته شد، بعضی از نکاتی وجود داشت که ممکن است منتهی به آن معنا بشود، بعضی از اظهارات دوستان هم کاملاً امیدآفرین و امیدبرانگیز بود، به نظر من این جنبه را تقویت بکنید. مسئولین هم همین جور؛ نگذارید دانشجوی -چون دانشجو عنصر ارزشمندی است برای کشور- افسرده بشود و از کارافتاده بشود و ناامید بشود.

لزوم زمینه‌سازی دولت برای اشتغال دانشجویان از دوران دانشجویی یکی از کارهای لازم دولت، زمینه‌سازی برای اشتغال دانشجویان است از دوران دانشجویی. البته در زمینه‌ی دانشجویان فنی، سالها پیش (۷) بنده ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردم. خوشبختانه اگر چه دیر اما سرانجام یک تشکیلاتی برای ارتباط دانشجویان با مسائل فنی و مانند اینها راه افتاد در معاونت ریاست جمهوری و کارهایی انجام گرفته که خوب است و بیشتر هم باید بشود و این کارها هم باید تقویت بشود لکن در بخشهای دیگر، مسئله‌ی اشتغال مسئله‌ی بسیار مهمی است. یکی از کارهای اساسی برای مسئولین دولتی این است که فکر کنند ببینند این دانشجوی بعد از اتمام تحصیلات در چه بخشی -چه بخش دولتی، چه بخش خصوصی، چه بخشی که ایجاد خواهد



شد به خاطر یک چنین مجموعه‌ی دانشجویی‌ای - باید مشغول به کار بشود.

لزوم بررسی همه‌ی جوانب پیرامون پیشنهادات در زمینه‌ی سربازی مسئله‌ی سربازی هم که دوستان چند نفر اشاره کردند، یک مسئله‌ی مطرحی است؛ این قضیه جزو همان قضایای پیچیده است، این جور ساده و آسان نیست. البته طرحهایی داده‌اند، به ما هم داده‌اند و مجموعه‌هایی مشغول بررسی این قضیه هم هستند اما قضیه را با شعار نمیشود تمام کرد. قضیه، قضیه‌ی پیچیده‌ای است، باید فکر کرد، جوانبش را دید و ان شاء الله به تصمیم درستی برسیم.

فرصت بزرگ وجود تشکلهای در زمینه‌های مختلف اما مسئله‌ی تشکلهای؛ چند جمله‌ای در باب تشکلهای عرض بکنم. اولاً وجود تشکلهای دانشجویی یکی از فرصتهای بزرگ کشور است. البته حالا بعضی‌ها میگویند که تشکلهای خیلی متعدّدند؛ به نظر من هیچ ایرادی ندارد. یک مجموعه‌هایی با یک مذاق سیاسی، با یک سلیقه‌ی خاص در امر دانشگاه، در امر سیاست، در امر کشور مشغول کار میشوند، یک مجموعه‌ای [هم] با یک اندک تفاوتی [مشغول کار میشود]؛ هیچ اشکالی ندارد که مجموعه‌های متعدّدی باشند؛ خود این تشکلهای یک فرصت بزرگی است برای کشورها. این تشکلهای میتوانند مرکزی باشند برای تولید فکر؛ ما به این احتیاج داریم؛ تولید فکر در این مجموعه‌ها؛ یا خود این تشکلهای میتوانند پیشران حرکت‌های دانشجویی باشند و حرکت جهادی و تحوّل را که گفتیم، میتوانند ایجاد کنند؛ یعنی خود این تشکلهای میتوانند عامل مهمی باشند برای ایجاد همان حرکت جهادی و تحوّل که قبلاً بحثش را کردیم. میتوانند هدایت‌کننده‌ی فعالیت‌های گوناگون حرکت‌های اجتماعی و حتی حرکت‌های علمی باشند؛ کما اینکه در همین اواخر دیدیم که در زمینه‌ی حرکت‌های اجتماعی، تشکلهای انصافاً نقش آفریدند.

نمونه‌هایی از اقدامات و فعالیت‌های تشکلهای دانشجویی در زمینه‌ی مسائل داخلی و خارجی در سال گذشته آن طور که به من گزارش شد و من مستقیم هم بعضی از اینها را در رسانه‌ها و غیره دیدم و مشاهده کردم، اقدامات خوبی به وسیله‌ی تشکلهای انجام گرفت؛ از جمله جزو آخرینها و مهم‌ترین‌هایش حضور در میدان کرونا [بود]. حقاً و انصافاً این بچه‌های جهادی، جوانهای جهادی کار کردند؛ که این ورود در میدان کرونا فقط یک کار و یک تحرک جهادی نیست بلکه نشان‌دهنده‌ی آمادگی برای ورود در کارهای پُرخطر است؛ این مهم است؛ مثل میدانهای مثلاً فرض کنید که جهادی و دفاع مقدّس و مانند اینها که کارهای پُرخطری بود، جوانها وارد میشدند. اینکه در میدان کرونا وارد بشوند، این پیدا است که آماده هستند برای اینکه به مسائل پُرخطر و میدانهای پُرخطر هم وارد بشوند. همچنین در مورد مشکلات خصوصی‌سازی‌ها فعالیت‌های خوبی از طرف تشکلهای دانشجویی انجام گرفت که بعضاً به نتیجه‌هایی هم رسید و ان شاء الله بیشتر هم به نتیجه خواهد رسید؛ و این حرکتی که جوانها و تشکلهای در مورد مشکلات خصوصی‌سازی انجام دادند خیلی خوب بود. البته در باب خصوصی‌سازی در این اظهارات آقایان نظرانی بود که ممکن است ما با بعضی از آنها موافق باشیم، با بعضی از آنها هم موافق نیستیم! خصوصی‌سازی کار بسیار خوبی است به شرطی که خوب عمل بشود؛ مشکلات، ناشی از خوب عمل نشدن است، نه اینکه خود سیاست خصوصی‌سازی سیاست غلطی بوده. پس بنابراین حرکت دانشجویی و حرکت تشکلهای به نظر من یک حرکت بسیار خوبی است.

در زمینه‌ی مسائل خارجی هم [دانشجوها] حضور نسبتاً خوبی داشتند؛ در موضوعات بین‌المللی، در قضیه‌ی برخورد



با ماجرای روزنامه‌ی توهین‌کننده‌ی فرانسوی، (۸) دانشجویها خوب وارد شدند؛ در مورد انفجار دانشگاه کابل که چندی پیش اتفاق افتاد دانشجویها انصافاً حرکت خوبی انجام دادند، و در زمینه‌ی مسائل یمن و فلسطین و مانند اینها هم بایستی حتماً فعالیت‌های دانشجویی ادامه پیدا کند. در زمینه‌ی اف‌ای‌تی‌اف (۹) مثلاً اظهار نظر کردند، موضع‌گیری کردند؛ من حالا کار ندارم به اینکه موضع‌گیری‌ها چه [بود]، به هر حال نقس موضوع‌گیری خیلی به نظر من خوب بود، نشان‌دهنده‌ی سعه و گستره‌ی نگاه دانشجویی به مسائل گوناگون بود؛ یا به این قانون راهبردی مجلس (۱۰) توجه کردند، تأیید کردند، تقویت کردند که خب همه‌ی اینها خیلی خوب است و موجب میشود که هویت تشکلی این تشکلهای هم تقویت بشود؛ یعنی وقتی که شما وارد میدانهای اظهار نظر و موضع‌گیری و اقدام و مانند اینها میشوید و در واقع جریان‌سازی میکنید، خود این کمک میکند به اینکه هویت تشکلی شما هم تقویت بشود.

انتظارات از تشکلهای دانشجویی: (۱) تقویت بنیه‌ی دینی و انقلابی و تهذیب نقس خب حالا انتظاراتی وجود دارد؛ من اولین انتظاری که از تشکلهای دارم، این است که بنیه‌ی دینی و انقلابی‌تان را تقویت کنید؛ از این مسئله آسان عبور نکنید؛ این خیلی مهم است؛ تقویت فکری، تقویت دینی. حالا گفتند که من کتاب یا آدم معرفی کنم برای مراجعه؛ به نظر من میتوانید خودتان با افراد زیادی در حوزه‌ی قم آشنا بشوید. حالا در حوزه‌ها، از جمله عمدتاً حوزه‌ی [علمیه‌ی] قم خوشبختانه در این چند سال اخیر کارهای بسیار خوبی و حرکت‌های خوبی انجام داده‌اند؛ شخصیت‌هایی هستند که میتوانند مرجع و مشاور امینی در مسائل فکری و اسلامی و دینی برای شما باشند. و از جمله تهذیب نقس؛ من خواهش میکنم به مسئله‌ی خودسازی و تهذیب نقس توجه کنید. از قول امام نقل کردند که ایشان فرموده بودند آنهايي که از آمریکا میترسند، به خاطر این است که تهذیب نقس نکرده‌اند؛ و به نظر من واقعه‌ش هم همین است. آن روز امام در یک قضیه‌ای پرسیدند که از آمریکا میترسید؟ جواب داده شد که نه؛ گفتند خیلی خب، پس فلان کار را انجام بدهید؛ یک کار مهمی را گفتند که حالا تفاسیلش زیاد است. غرض این است که تهذیب نقس تأثیر زیادی حتی در مبارزات اجتماعی دارد؛ یعنی صرفاً این نیست که انسان آدم خوبی میشود؛ نه، این آدم خوب شدن در عرصه‌های گوناگون مبارزاتی اجتماعی، بین‌المللی، و انقلابی تأثیر خودش را میگذارد.

یک عبرتی ما از گذشته داریم؛ بعضی از تشکلهای در دهه‌ی ۶۰، نوک پیکان انقلاب محسوب بودند؛ به قول شما جوانها آخر انقلابی‌گری بودند؛ یعنی واقعاً مثلاً با ماها که سابقه‌ی انقلابی بیشتری از آنها داشتیم وقتی برخورد میکردند، طلبکارانه برخورد میکردند. البته بعضی از آنها؛ بعضی رفتند جهاد کردند، شهید شدند، کارهای بزرگی انجام دادند، در همان خط صحیح و انقلابی واقعاً پافشاری کردند و ماندند؛ بعضی هم ۱۸۰ درجه تغییر مسیر دادند؛ این به خاطر این بود که آن فکر در ذهنشان عمیق نبود، آن ایمان از مرحله‌ی شعار خیلی بالاتر نرفته بود. وقتی ایمان فقط شعاری شد و عمق فکری نداشت، خب این خطرها وجود دارد؛ بایستی به اینها توجه کرد.

میدانید از همان اول انقلاب -یعنی قبل از اینکه رئیس‌جمهور [بشوم]، سال ۵۸- دانشجویها به سفارش امام آمدند سراغ بنده و با دانشجویها مرتبط شدم و کار کردم؛ من کاملاً به عمق کارهای دانشجویی و فعالیت‌های دانشجویی آشنا هستم و میدانم که وضع چه جوری است و چه جوری بود، و چه جور شد که بعضی از آنها زاویه پیدا کردند؛ اول زاویه پیدا میکنند، بعد یواش‌یواش منحرف میشوند، که گاهی اوقات بعضاً به مقابله -۱۸۰ درجه- می‌انجامد. اگر ایمان باشد، تقوا باشد، دیگر واقعاً مشکلی وجود نخواهد داشت، یعنی دانشجو به سراغ مخالفین انقلاب و دشمنان



انقلاب نخواهد رفت؛ لذا خداوند متعال در قرآن به پیغمبرش امر میکند: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ؛ (۱۱) هم تو ایستادگی کن و استقامت کن، هم آن کسانی که با تو هستند ایستادگی کنند؛ این خیلی مهم است. و اگر این ایستادگی بود، تشکل و افراد آن تشکل عاقبت به خیر میشوند؛ اگر چنانچه این ایستادگی نبود، این تقوا و ایمان عمیق و فکر منطقی و عمیق وجود نداشت، آن وقت دیگر در مورد عاقبت، مشکل است [ختم به خیر شود]؛ به قول حافظ، «حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است». (۱۲)

۲) تلاش و برنامه‌ریزی برای اثرگذاری فکری بر دانشجویان و باز کردن گره‌های فکری آنان
خب، یک نکته‌ی دیگری که تذکر به دانشجویان و تشکلها است، این است که یک فرصت مهمی شما دارید که این فرصت، تکلیف‌آفرین است؛ آن فرصت هم عبارت از این است که شما در میان خیل عظیم دانشجویان هستید؛ این تشکل‌های دانشجویی با مجموعه‌های میلیونی دانشجویان مواجهند؛ و این یک فرصت خیلی بزرگی است، یعنی بایستی تلاش شما برای همفکر کردن و همراه کردن مجموعه‌ی دانشجویان، یک تلاش جدی، برنامه‌ریزی شده و اساسی باشد. هیچ لزومی ندارد که آنها بیایند جزو تشکل شما بشوند اما لزوم دارد که تحت تأثیر تفکر شما قرار بگیرند و تلاش حداکثری برای اثرگذاری فکری و دینی و باز کردن گره‌های فکری آنها [انجام شود]؛ که حالا اشاره شد در بیانات بعضی‌ها به گره‌های فکری، بلکه یک گره‌های فکری‌ای وجود دارد که اینها بایستی برداشته بشود؛ و حالا مجموعه‌های نمایندگی (۱۳) هم، در این زمینه تکلیف مهمی دارند و کارهای بزرگی بر عهده‌ی آنها است که بایستی در این زمینه تلاش بیشتری بکنند. در همین انتخابات هم، کار اساسی و دم دستی که شما دارید، این است که همه را از جمله دانشجویان را و دیگران را به مشارکت تشویق کنید. بعضی از این اظهاراتی که امروز شد که به عنوان دلسوزی گفته شد، واقعاً هم درست است اما این جور نباشد که همین اظهار نظر دلسوزانه موجب بشود که کسانی از مشارکت دلسرد بشوند؛ به این باید توجه کرد.

اهمیت انتخابات پرشور برای نظام در زمینه‌های تمدنی و قدرت بازدارندگی
حالا که بحث مشارکت شد، یک کلمه هم در مورد انتخابات عرض بکنم. انتخابات پرشور برای کشور از همه جهت مهم است. هم از جهت حضور مردم و تحقق مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه مهم است؛ این را دست‌کم نگیریم، نگوئیم چون در فلان حرکت دولتی، مردم حضور نداشتند پس مردم‌سالاری نیست؛ نه، نقس حضور مردم برای انتخاب مسئولان کشور، از صدر تا ذیل، یک مسئله‌ی مهمی است؛ مسئله‌ی انسانی مهمی است، مسئله‌ی تمدنی بسیار مهمی است؛ مردم‌سالاری است. بعد هم همین طور که میدانید، حضور مردم در انتخابات، بر توانایی‌ها و قوت آن دولت منتخب تأثیر زیادی دارد؛ بالاخره یک دولتی انتخاب خواهد شد، یک رئیس‌جمهوری انتخاب میشود و دولتی تشکیل میدهد؛ هر چه پشتوانه‌ی او بیشتر باشد، قوی‌تر باشد، قطعاً بهتر است و قدرت بازدارندگی کشور را بالا میبرد، امنیت میدهد به کشور، برای کشور آبرو ایجاد میکند. بنابراین مشارکت، خیلی مهم است.

انتخاب مطلوب و انتخاب دولتی لایق حکمرانی در مرحله‌ی دوم
پس بنابراین در درجه‌ی اول، مشارکت بالا است، بعد انتخاب مطلوب و انتخاب خوب است تا دولتی تشکیل بشود که دارای کفایت باشد، مدیریت لازم را داشته باشد، بالایمان باشد، مردمی باشد، لبریز از امید باشد. مسئولین دولتی باید خودشان ناامید نباشند. اگر یک آدم ناامید و افسرده‌ای را ما در رأس یک کاری گذاشتیم، خب پیدا است که این کار پیش نخواهد رفت؛ باید لبریز از امید باشند. معتقد به توانمندی‌های داخلی باشند. آن که معتقد است که چه از لحاظ دفاعی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ تولید و امثال اینها کاری در کشور نمیشود انجام



داد، واقعاً لایق فرمانروایی و حکمرانی بر این مردم نیست؛ بایستی کسانی بر سر کار بیایند که معتقد به مردم باشند، معتقد به جوانها باشند، عقیده‌ی به جوانها داشته باشند، واقعاً عنصر جوان را قدر بدانند، [دارای] عملکرد انقلابی باشند و حقیقتاً عدالت‌خواه باشند؛ نه اینکه به لقلقه‌ی زبان اسم عدالت آورده بشود؛ به معنای واقعی کلمه عدالت‌خواه باشند و ضد فساد باشند. «عدالت» هم البته فقط عدالت اقتصادی نیست؛ اگر چه رقم مهمش عدالت اقتصادی است اما در بخشهای گوناگون، عدالت ساری و جاری است. و یک چنین دولتی ان شاء الله اگر به وجود بیاید، آن وقت میتواند صدها مدیر جوان و مؤمن را در بخشهای گوناگون از صدر تا ذیل بگمارد و ان شاء الله کار کشور سامان خوبی پیدا کند؛ دنبال این باید باشید.

عدم دخالت رهبری در زمینه‌ی ورود اشخاص و انتخاب آنها

بنده البته در مورد انتخاب اشخاص هیچ دخالتی نمیکنم. در دوره‌های گذشته کسانی که میخواستند نامزد بشوند می‌آمدند مثلاً از من میپرسیدند که «شما موافقید؟»، من میگفتم من نه موافقم، نه مخالفم. در دوره‌های گذشته این جور بود؛ هر کس از من سؤال میکرد که «آیا من وارد میدان انتخابات بشوم یا نه؟»، من در جواب میگفتم که من نه موافقم، نه مخالفم؛ یعنی نظر ندارم. امسال گفتم من همین را هم نمیگویم؛ اگر کسی پرسید که «شما موافقید؟»، همین را هم که «من نه موافقم، نه مخالفم» نخواهم گفت. بالاخره بررسی کنند، خودشان ملاحظه کنند، بین خودشان و خدا اگر احساس کردند شایستگی دارند و ورودشان منطبق با قانون است وارد میدان بشوند، والا نه؛ مردم هم برنامه‌ها را ببینند و انتخاب کنند. الحمدلله حرفهای خوبی زدید در مورد انتخاب شعاری و مانند اینها؛ اینها هم باید ان شاء الله اصلاح بشود.

امیدواریم که خداوند متعال شماها را موفق بدارد. شماها جوانهای عزیز، ذخیره‌ی انقلاب هستید و مایه‌ی روشنی چشم مسئولین هستید، بنده هم که سالها است با شماها رفیقم و شماها را دوست میدارم، برایتان دعا میکنم. هیچ شبانه‌روزی نیست که من مرتب بالخصوص برای جوانهای کشور دعا نکنم و بخصوص جوانهای فعال؛ ان شاء الله باز هم دعا خواهم کرد. و خداوند به شما کمک کند، ان شاء الله مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشید و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان از شما راضی باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، تعدادی از نمایندگان تشکلهای دانشجویی مطالبی بیان کردند.

(۲) صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ۴۴

(۳) برانگیختن تمایل یا انگیزه، تحریک کردن

(۴) حریص و مشتاق کردن

(۵) از جمله، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی (۲۸/۲/۱۳۹۹)

(۶) مطلوبها

(۷) از جمله، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر (۹/۱۲/۱۳۷۹)

(۸) نشریه‌ی فرانسوی شارلی ابدو در حرکتی موهن اقدام به انتشار کاریکاتورهایی از پیامبر اکرم (ص) نموده بود.

FATF (۹)

(۱۰) قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریمها و صیانت از منافع ملت ایران» که در جهت تأمین شروط نه گانه‌ی مقام



معظم رهبری در خصوص توافق هسته‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و الزاماتی را برای سازمان انرژی اتمی ایران در خصوص افزایش میزان و سطح غنی‌سازی در نظر گرفت.

(۱۱) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲

(۱۲) حافظ. غزلیات؛ «حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است / کس ندانست که آخر به چه حالت برود»

(۱۳) دفاتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها